

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: خوف و رجاء ۵

صحبت‌مان درباره خوف و رجاء بود. مقداری درباره سعه رحمت الهی صحبت کردیم. این جلسه هم باز ادامه بحث قبلی را داریم.

رحمت رحمانی و رحمت رحیمی خداوند متعال

پروردگار دو نوع رحمت دارد: یک رحمت رحمانی و یک رحمت رحیمی.

۱. رحمت رحمانی

رحمت رحمانی، رحمت عام اوست که شامل همه موجودات می‌شود. در رحمت رحمانی هیچ توجهی به مخلوق نیست که این مخلوق کار خوب انجام داده است، کار بد انجام داده است، استحقاق دارد، استحقاق ندارد. اصلاً توجه به این نیست.

رحمت؛ معلول اقتضای ذات پروردگار

دلیل رحمت همان اقتضای ذات پروردگار است که می‌خواهد رحمتش را نازل بکند. چون این از صفات کمالیه پروردگار است. یک موجود کامل یکی از اوصافش این است که رحمت دارد. یک موجود کامل یکی از اوصافش این است که زود بخشش دارد، می‌بخشد، عفو می‌کند. این از کمالات یک موجود است.

در مورد انسان هم همین است. انسانی که از تقصیر رفیقش زود می‌گذرد، این از کمالات خودش است. نشان می‌دهد که او از این جهت انسان کاملی است و اگر نگذرد، به قول ما مته را روی خشخاش بگذارد و دقت کند، این از نواقص شخص حساب می‌آید. به ظاهر دارد حق خودش را استیفاء می‌کند، می‌گوید من می‌خواهم حقم را زنده بکنم، اما در واقع این برای او نقص حساب می‌شود.

روایت دارد که «لَوْ لَمْ تُذِئِبُوا لَخَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا يُذِئِبُونَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ»^۱ (اگر شما مردم هیچ کدامتان گناه نمی‌کردید، خدای متعال خلقی را می‌آفرید که آن‌ها اهل گناه باشند و بعد آن‌ها را می‌بخشید.) این نه به این معناست که خدا از مخلوق گناه می‌خواهد. توجه دارید این معنایش نیست. خدا اراده معصیت از هیچ کس نمی‌خواهد. این جا بحث در اقتضای ذاتی خداست. ذات کامل یکی از اوصافش ریزش بخشش از اوست. اگر نباشد، برای او نقص است. گرچه این جا حالا با تعبیر «لَوْ» آمده است. «لَوْ» برای امتناع است، یعنی الآن این طور نیست. اگر شما گناه نمی‌کردید، حالا که می‌کنید، حالا فعلاً آن چه که در دنیا می‌بینیم این است که افراد گناه می‌کنند، با اختیارشان هم گناه می‌کنند. خب خودشان با اختیار گناه می‌کنند، بعد هم توبه می‌کنند، خدا غفران خودش را آشکار می‌کند، آن‌ها را می‌بخشد. این مسئله مهمی است. حالا می‌فرماید اگر گناه نمی‌کردید، خدای متعال آن غفران خودش را به این شکل آشکار می‌کرد که خلق دیگری را می‌آفرید، آن‌ها با اختیارشان گناه بکنند، بعد خدای متعال رحمتش را شامل حالشان بکند، آن‌ها را ببخشد.

رحمت رحمانی معصومین (علیهم السلام)

^۱ محجة البیضاء، ج ۷، ص ۲۶۴.

خدمت امام هشتم (علیه السلام) مشرف می شویم، اگر دست خالی برگردیم، واقعاً حَقَّمان است، چون ما که استحقاق نداریم، اما این برای یک انسان بزرگ نقص است. امام و حجت خدا یک انسان کامل هستند. کمال ایشان ایجاب می کند که یک رحمت رحمانی داشته باشند؛ لذا از این جهت هیچ کس بی نصیب بر نمی گردد. اگر کسی خدای ناکرده حتی در فکرش چنین گمان بکند، این گمان بسیار بدی به امام برده است. امام رضایت ندارند کسی این چنین فکر بکند؛ چون خلاف واقعیت است. ما دست خالی برگردیم، برای ما عیب نیست؛ اما برای یک انسان کامل چرا عیب حساب می شود. گفته می شود رفتیم خدمت یک انسان کامل، ما البته استحقاق نداشتیم، اما او هم عنایت نکرد. برای او نقص است. انسان کامل یک رحمت رحمانی دارد؛ به خصوص امام هشتم (علیه السلام) که اسمشان هم رضاست. سریع الرضاء هم هستند. بحث از این چیزها خیلی بالاتر است، ما اصلاً نمی فهمیم. یک رحمت رحمانی است. در این رحمت توجه به مخلوقات نیست. شما هم وقتی می خواهید رحمت را بگیرید، نباید به خود توجه بکنید. آن جا به کریمیت طرف نگاه می کنید. کریم است باید بدهد و می دهد. ندهد، برای او نقص است و نقص محال است.

داستان آن سه روزی که اهل بیت (علیهم السلام) روزه گرفتند و افطاری خودشان را به مسکین و یتیم و اسیر دادند، از این قبیل است.^۲ روز سوم که اسیر آمد، مشرک بود. مگر آن وقتی که گفت به من نان بدهید و اهل بیت (علیهم السلام) نان را به او دادند، استحقاق داشت؟ استحقاق نداشت. از چه جهت استحقاق داشت؟ اصلاً اسیر مشرک بود، دین نداشت، مشرک بود. استحقاقی نداشت؛ اما رحمت رحمانی اهل بیت (علیهم السلام) ایجاب می کند که به او نگاه نمی کنند که چه کسی است. اگر به او نگاه بکنند، باید توی سرش هم بزنند. کسی که دین ندارد، ارزش ندارد. این جا رحمت رحمانی اهل بیت (علیهم السلام) است. این یک رحمتی است مرتب دارد به همه داده می شود.

الآن این رحمت رحمانی از ناحیه امام زمان (علیه السلام) تمام ما سوی الله را فرا گرفته است. همه موجودات سر سفره حضرت نشسته اند، دارند می خورند. حیوانات می چرند، انسان های بد، کفار، همین منافقین، دشمنانی که الآن دارند به اسلام و مسلمین ضربه می زنند، دارند از رحمت رحمانی امام زمان (علیه السلام) استفاده می کنند. مثلاً دارد نفس می کشد. خب این نفس کشیدن مگر نعمت نیست؟ این نفس کشیدن به اذن امام زمان (علیه السلام) به او داده می شود، دارد استفاده می کند. مقدر می شود که امام زمان (علیه السلام) امضاء بکنند که امسال مثلاً عمر او اضافه باشد، دارد غذا می خورد. همین سلامتی بدنش، قدرتش، علمش و همین امور مادی که دارد از دنیا استفاده می کند، این ها همه اش رحمت رحمانی خداست که به دست امام زمان (علیه السلام) به همه مخلوقات داده می شود.

۲. رحمت رحیمی

یک رحمت هم هست رحمت رحیمی. رحمت رحیمی خاص مؤمنین است. آن دیگر ویژه است. آن مال شماست. امام زمان (علیه السلام) یک عنایت خاصی به شیعه و به مؤمن دارند. یعنی در واقع خدا دارد، دارید از آن مظاهر استفاده می کنید. اگر الآن شما به کمالات روحی خودتان مراجعه بکنید، می بینید چه قدر کمال یافتید، یعنی قرب به خدا، با دین خیلی زیاد آشنا شدید. آیا استحقاق داشتید؟ به خودمان که مراجعه می کنیم، واقعش را می بینیم نه هیچ استحقاق نداشتیم. آن رحمت رحیمی خداست. عنایت ویژه که عمدتاً در غالب هدایت مطرح است؛ به طوری که هر یک از شما وقتی به خود مراجعه

۲. انسان، ۱۰ تا ۷.

می‌کنید، از نظر هدایت از خدا هیچ گله‌ای ندارید. دارید به اعمال خودتان نگاه می‌کنید و می‌گویید خب یک سری اعمال انجام دادم، بعد فکر می‌کنید چه قدر نتیجه گرفتید؟ چه قدر کمال یافتید؟ می‌بینید چندین برابر. چندین برابر آن چه که زحمت کشیدید، به شما لطف شده است، از شما دستگیری شده است.

مستحق نبودن مؤمنین برای رحمت رحیمی

گاهی رفیق خوب پیدا کردیم، از رفیق خوب استفاده هدایتی کردیم، اما از خدا تشکر نکردیم. گاهی استاد خوب پیدا کردیم، تشکر نکردیم. گاهی کتاب خوب پیدا کردیم، به واسطه کتاب هدایت‌ها یافتیم، آگاهی‌هایی به علم ما افزوده شد، چیزهایی فهمیدیم. گاهی با یک جلسه آشنا شدیم، آن قدر مطالب در آن جلسه یاد گرفتیم، با امام زمان‌مان آشنا شدیم، چه نتیجه‌ها گرفتیم. حالا مگر استحقاق داشتیم؟ گاهی خواب‌های رحمانی دیدیم. خواب از بشارت‌های دنیایی که در دنیا به مؤمن داده می‌شود، خواب رحمانی است که مخالفین از آن محروم هستند. خواب‌های رحمانی برای مؤمنین بشارت‌زاست. مگر ما این‌ها را استحقاق داشتیم که یک کسی بگوید من حقم بود این خواب خوب را بینم؟ خواب‌هایی که گاهی به تعبیر یکی از عزیزان که خواب امام زمان (علیه‌السلام) را دیده بود، خودش می‌گفت: «تا حدود یک هفته بعد از این که از خواب بیدار شده بودم، نشاط داشتم. آن چنان آن خواب روی من تأثیر گذاشته بود که نورانیتی در خود احساس می‌کردم و تا یک هفته آثارش را در وجودم احساس می‌کردم!»

این‌ها آثار هدایتی رحیمی پروردگار است. استحقاق کجا بوده است؟ چه کسی استحقاق داشته است؟ یک قدم برداشتیم، خدا صد قدم راه را برای ما باز کرده، جلو رفتیم. الآن کسی نمی‌تواند هیچ گله‌ای بکند و بگوید خدایا من حقم بود که الآن به امام زمانم نزدیک‌تر بشوم. هرکدام در هر موقعیتی هستیم، چند برابر بیشتر از حقمان به ما لطف شده است. این طوری است، خدا برنامه‌اش این است.

مگر امام زمان (علیه‌السلام) که در حق همه ما دعا می‌کنند، ما حقمان است؟ مگر استحقاق آن را داریم؟ چه کسی استحقاق دارد؟ در حالی که آقا مرتب شب و روز در حق شیعیان‌شان دعا می‌کنند. مشمول دعا‌های حضرت هستیم. استحقاق کجاست؟ خیلی هنر کردیم یک قدم رفتیم جلو. یک قدم، یک خواهش از امام زمان‌مان کردیم، ده برابر به ما عنایت کردند. برنامه این طوری است.

امام زمان (علیه‌السلام) به شیخ مفید فرمودند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوْءَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۳ (همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، چه در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه‌کن کرده و از بین می‌برند.) «وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَ شِيعَتِي»^۴ (به واسطه من خدا بلا را از شیعیانم دور می‌کند). به یاد شما هستیم. در حق شما دعا می‌کنم. این است که در هر زمانی ممکن است یک کسی از نظر مادی گله‌مند به رزق و روزی خودش باشد، ممکن است فشارهایی ببیند. احتمال این هست که یک وقت یک کسی در بیابان یک جایی گیر بیفتد، مسیر برایش محدود باشد، تشنه باشد حتی یک وقت از تشنگی ممکن است بمیرد و یا این که ساعت‌ها تشنگی بکشد، اما تشنگی روحی ما نداریم. این‌جا تضمین شده

^۳. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۷۵.

^۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱.

است. به اندازه‌ای که خودمان تهیه دیدیم، چند برابرش را نتیجه گرفتیم. در مسائل هدایتی هیچ کم نداریم که یک کسی بگوید من تشنه بودم، سیراب نشدم. آن‌جا اگر انسان یک قطره در خودش احساس تشنگی بکند، ده برابر، صد برابر آب برایش موجود است و مهیاست و عطا می‌کند.

در مسائل روحی قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا»^۵ (و کسانی که در راه ما مجاهدت کنند، به یقین آن‌ها را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم.) این تضمین الهی است. تلاش بکند، منتهی «فینا». «فینا» مهم است. «فینا» یعنی خالص. در راه ما تلاش خالصانه بکند، صادق باشد، راست بگوید، تلاش بکند، آن وقت «لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا» ما او را هدایتش می‌کنیم به انواع راه‌هایی که او را به قرآن برساند. از راه‌های گوناگون او را به قرآن و معارف دین می‌رسانیم، فقط «جَاهَدُوا فِينَا». خب این رحمت رحیمیه خداست. خیلی وسیع است، خیلی زیاد است.

گسترده بودن رحمت الهی

در روایت دارد «لَوْ عَلِمَ الْكَافِرُ سَعَةَ رَحْمَةِ اللَّهِ مَا آيَسَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ»^۶ (اگر کافر وسعت رحمت خدا را می‌دانست، هیچ کس از بهشت مأیوس نمی‌شد.) همه امیدوار بودند. گاهی در خبر دارد که در قیامت آن قدر رحمت الهی زیاد است که شیطان به طمع می‌افتد. شیطان با آن خبائثش به فکر می‌افتد که یک چیزی از آن رحمت هم به او برسد. خیلی بحث وسیع است.

استناد روایی

به این دو، سه تا حدیث توجه کنید. یک مقدار باز خدای خود را بهتر بشناسیم. عرض کردم حداقل این روایت‌ها یک مقدار ما را با صفات الهی آشنا کند. اگر نشناختیم، خودمان ضرر کردیم. ما باید فکرمان را تطبیق بدهیم با آنچه که هست و الان این طور نیست. الان خیلی عقب هستیم. باید آن رحمت الهی را خیلی خوب درک بکنیم، ببینیم واقعیت چیست. می‌توانیم بفهمیم که پیامبر می‌فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَلَّهِ أَزْحَمُ بَعْبِدِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْوَالِدَةِ الشَّفِيفَةِ بَوَلَدِهَا»^۷ (قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست، خدای متعال مهربان‌تر است به بنده مؤمن خودش از مادری که دلسوز به فرزندش است.)

در روایت دیگر دارد که «إِنَّ لِلَّهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ» خدا صدتا رحمت دارد. صد درجه رحمت دارد. «أَذْكَرَ عِنْدَهُ مِنْهَا تَسْعًا وَتَسْعِينَ رَحْمَةً وَأَظْهَرَ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا رَحْمَةً وَاحِدَةً» از این صدتا، نود و نه تا رحمت را خدا نزد خودش ذخیره کرده است، نگه داشته است. یک دانه‌اش را، به قول ما یک چشمه‌اش را دارد در دنیا نشان خلاق می‌دهد. این رحمت واسعه خدا را که می‌بینید همه دارند استفاده می‌کنند، این یک دانه از آن صدتا رحمت خداست که این یک دانه رحمت بین مخلوقات تقسیم شده است. الان مخلوقات از رحمت خدا به دیگران مهربان هستند. می‌فرماید: «فِيهَا يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ» این که می‌بینید بعضی مخلوقات به بعضی دیگر رحمت می‌کنند، این‌ها از همان یک دانه رحمت خداست که بین آن‌ها تقسیم شده است. «فَتَحَنَّنَ الْوَالِدَةُ إِلَى وَلَدِهَا» مادر به فرزندش دلسوزی می‌کند. تمام مادرانی که روی این کره زمین به فرزندشان مهربان هستند، از آن یک دانه رحمت خدا در وجودشان آمده است. «وَتَعَطَّفُ الْبَهِيمَةُ عَلَى وَلَدِهَا» حتی دیدید حیوانات چه قدر به فرزندشان دلسوزند. تمام از همان یک دانه رحمت است. یک دانه رحمت در دنیا آمده است تمام موجودات را گرفته است. هرکسی در

^۵ عنیکوت، ۶۹.

^۶ محجة البیضاء، ج ۷، ص ۲۶۳.

^۷ محجة البیضاء، ج ۷، ص ۲۶۴.

وجود خودش یک مقدار احساس رحمت می‌کند، این‌ها از آن یک رحمت است. «فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» وقتی روز قیامت می‌شود، «صُمِّ هَذِهِ الرَّحْمَةُ إِلَى التَّسْعِ وَ التَّسْعِينَ» این دانه رحمت ضمیمه آن ۹۹ تا رحمت دیگر می‌شود. «ثُمَّ يَسَطُّهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ» بعد خدا تمام صدتا رحمت را به تمام خلق پهن می‌کند. «و كُلُّ رَحْمَةٍ مِنْهَا طِبَاقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ» هریک دانه از این رحمت‌ها مطابق تمام آسمان‌ها و زمین است؛ یعنی وسعتش تا این اندازه زیاد است. یک دانه‌اش می‌تواند همه را بگیرد، حالا شده است صدتا. «قَالَ» بعد فرمودند: «فَلَا يَهْلِكُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَئِذٍ إِلَّا هَالِكٌ»^۸ آن موقع کسی هلاک نمی‌شود، مگر آن‌هایی که به قول ما خیلی کارشان حرف داشته باشد. آن‌ها هلاک می‌شوند.

انجام بهترین عمل و تکیه‌نکردن بر آن

مطلب دیگری که باید به آن توجه کنیم، این است که نمی‌خواهد به اعمال خودمان زیاد تکیه بکنیم. در عین حالی که وظیفه ما این است که بهترین عمل را بیاوریم، بهترین عمل را انجام بدهیم، اما آخرش بدانیم به رحمت خدا نیازمند هستیم و اگر رحمتش شامل حال ما نشود، بدبخت بدبخت هستیم. هیچ چیز نداریم، هیچ. یعنی اگر بنا بشود روی عبادت‌های ما حسابرسی بشود، بدهکار می‌شویم. به تعبیر آن روایت، امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: چه قدر زشت است بر یک انسانی که شصت سال، هفتاد سال از عمرش بگذرد، دو رکعت نماز با حضور قلب نخوانده باشد. به کدام یک از اعمالمان می‌خواهیم تکیه بکنیم؟ چه کردیم؟ روی هر عملی دست بگذاریم، نواقص خیلی دارد.

خب پس در این‌جا دو نکته را با هم داریم می‌گوییم. می‌گوییم در مقام عمل سعی کنیم بهترین عمل را انجام بدهیم، تلاشمان بر این باشد، اما مواظب باشیم فکر نکنیم عمل ما نجات دهنده ماست. این‌ها بهانه است؛ چنانچه در دنیایش هم همین‌طور است. گفتیم ما یک قدم رفتیم جلو، یک کار دست و پا شکسته‌ای انجام دادیم، بعد می‌بینیم از جانب خدا چه قدر هدایت شامل ما شده است.

خب «كَمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَسْرَتَهُ»^۹. اصلاً یکی از رحمت‌های خدا همین شهرت خوب است که استحقاقش را نداشتم. حالا یک وقت یک کسی واقعاً آدم خوبی است، خوبی آن پخش می‌شود، آن هیچ، اما می‌گوید: «لَسْتُ أَهْلًا لَهُ» من اصلاً شایسته و اهل آن ثناء جمیل نبودم؛ اما «نَسْرَتَهُ» پخشش کردی. خوبی‌هایی را که اهلش نبودم، از من پخش کردی. بنده خالص تو نبودم؛ اما به گونه‌ای مطرح شدم که همه می‌گویند فلانی بنده خوب خداست. چیزهای نبود را پخش کردی. از آن طرف گناهانی را که بود، می‌توانستی پخش کنی، مخفی کردی. در عیوبش می‌گوییم «سَنْرَتَهُ»، در کارهای خوبش می‌گوییم «نَسْرَتَهُ». این رحمت خداست.

بهشت رفتن نیکوکاران به فضل الهی، نه استحقاق

کلاً این‌جا یک بحثی داریم که حالا بخواهیم وارد این قضیه بشویم، شاید دو، سه جلسه باید صحبت بکنیم، حالا می‌خواهم بحث را در ضمن چند دقیقه، دیگر جمعش بکنم. کلی قضیه این است: همه ما باید معترف باشیم، معتقد باشیم، اذعان بکنیم و در دلمان این مطلب را هضم بکنیم که اگر بیشترین عمل را، بزرگ‌ترین اعمال خوب را انجام بدهیم، آخرش به

^۸ همان.

^۹ مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

اعمالمان بهشت نمی‌رویم، بلکه به فضل الهی می‌رویم. بله، این اعمال زمینه‌هایی را ایجاد می‌کند؛ اما این که استحقاق بهشت را پیدا بکنیم، نه.

در دنیا هم همین طور است. در دنیا هم کسی فکر نکند که استحقاق هدایت داشت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا»^{۱۰} اگر فضل و رحمت خدا نبود، هیچ یک از شما ابداً تزکیه نمی‌شد، مُزَکِّی نمی‌شد، پاک نمی‌شد. از اوّلش که خدا رحمتش را شروع کرد، چه کسی استحقاق داشت؟ اوّلین رحمت و بزرگ‌ترین رحمت، وجود مقدس خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و اوصیای کرامشان (علیهم‌السلام) و از آن طرف قرآن کریم است. این‌ها بزرگ‌ترین فضل و رحمت خداست که شامل حال ما شده است. چه کسی استحقاق این‌ها را داشته؟ رحمت الهی است. این دنیایی آن این است. هرکس در دنیا به هر درجه‌ای می‌رسد، آخرش باید احساس بکند این فضل و رحمت خداست. نمی‌خواهم جبر مطرح بشود. در ضمن آن علی ای حال داریم می‌گوییم ما یک دست و پای این‌جا می‌کنیم، یک تصمیم‌هایی می‌گیریم، اما آن غرور نیاید یک وقت ما را بگیرد فکر کنیم خب الحمدلله ما یک کارهایی کردیم. نه، چه کار کردیم؟

پس در بین انسان‌ها سعی کنیم بهترین باشیم. در یک جلسه سعی کنیم بهترین انسانی باشیم که استفاده می‌کنیم. در شهر اصفهان سعی کنیم اوّلین نفری باشیم که به امام زمانش نزدیک‌تر است. این‌ها را سعی کنیم؛ اما بعد فکر نکنیم از خودمان است. اگر فضل و رحمت خدا نبود، کسی یک ذره هدایت پیدا نمی‌کرد، هیچ. همه به فضل اوست، به رحمت اوست. حالا به یکی، دوتا حدیث در این زمینه توجه کنید. دَقَّتْ کَنَدِ احَادِیثُ دَرِ اَیْنِ زَمِیْنِهٖ خِیْلِی فِرَاوَانَ اسْتِ، بَیْشَرِ دَوَسْتِ دَارِمِ بَه مَطْلَبِ تَوَجُّهْ کَنَدِ. حالا حدیث را هم برای این که دل‌هایتان نورانی بشود، می‌خوانم.

استناد روایی

پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَدْخُلُهُ عَمَلُهُ الْجَنَّةَ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنَ النَّارِ» هیچ یک از شما نیست که عملش او را داخل بهشت بکند یا عملش او را از آتش نجات دهد. خب وقتی پیامبر می‌فرمایند هیچ یک از شما، مبالغه که نمی‌کنند. جالب است بعضی از آن‌هایی که آن‌جا بودند، خیلی پُررو بودند، «قَالُوا: وَ لَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» گفتند: یا رسول الله، خود شما هم همین طور هستید که روز قیامت به عملتان به بهشت نمی‌روید یا به آتش نجات پیدا بکنید؟ «قَالَ: وَ لَا أَنَا» پیامبر فرمودند: من هم نه. خیلی عجیب است. اگر توجه کنید، می‌بینید کسی دارد این حرف را می‌زند که تمام خلقت اصلاً به طفیل ایشان دارد خلق می‌شود. همه رحمت‌ها به واسطه این یک انسان دارد به همه داده می‌شود. قرآن کریم هم به واسطه پیغمبر به ما داده شده است. اگر رحمت پیغمبر نبود، از قرآن هم خبری نبود. من در این سفر امسالمان که خدا لطف کرد مشرف شدیم، نکته‌ای که در حرم پیغمبر به آن واقف شدم این بود، قبلاً به این نکته زیاد حساس نبودم، هرچه قرآن خواندم، دیدم خدا به پیغمبر خطاب کرده. خیلی برای من جالب بود. حالا شما حساس باشید و قرآن را هر صفحه‌اش را می‌خواهید، باز بکنید، اصلاً مثل این که خدا یک انسان بیشتر نیافریده است، بقیه هیچ. یک گل بیشتر نیست، همه خاشاک هستند. به خاطر این یک گل است که بقیه دارند آب می‌خورند و بزرگ می‌شوند. اگر آن یک گل نبود، باغبان اصلاً زحمت

این را نمی‌کشید. «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»^{۱۱} (حبیبم، اگر نبودم، من اصلاً هیچ چیز خلق نمی‌کردم). چون دیدم یک چنین گلی در این افلاک خلق می‌شود، درمی‌آید، ارزش داشت که افلاک را بیافرینم، انسان‌ها آفریده بشوند تا در ضمن آن‌ها یک چنین انسانی در بیاید. خیلی عجیب است آن وقت هم که قرآن می‌خواهد ما را هدایت بکند، خطاب فقط با پیغمبر است، با او صحبت می‌کند. بشر یکی بیشتر نیست. همه دیگر از خوان او استفاده می‌کنند. حالا این پیامبر می‌فرماید: من هم به رحمت خدا وارد بهشت می‌شوم، نه به علمم و به رحمت خدا از جهنم نجات پیدا می‌کنم، نه به عملم! «قَالَ: وَ لَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَّعَمَدَنِي اللَّهُ تَعَالَى بِرَحْمَتِهِ»^{۱۲} فرمودند: من هم نه، مگر این که خدای متعال رحمتش را شامل حالم بکند. آخرش این است. حالا کیست دیگر این‌جا مرد باشد، بگوید عمل من به من عجب داده است. چه کسی؟ کجا؟ عجب؟ حتماً حدیث را نخوانده و نشنیده است. یعنی این حدیث خیلی فکر ما را تنظیم می‌کند. در حدّ خودمان، جلوتر نرویم.

یک حدیث دیگر باز از همین بزرگوار است، می‌فرماید: «اعْمَلُوا وَ ابْشُرُوا» عمل بکنید، نه این که کوتاه بیایید بگویید خب اگر رحمت خداست، دیگر نیاز نیست زیاد تلاش بکنیم. عمل بکنید و بشارت هم بدهم به شما، بالأخره بشارت باد شما را. بعد فرمودند: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ أَحَدًا لَنْ يُنْجِيَهُ عَمَلُهُ»^{۱۳} این را هم بدانید هیچ یک از شما عملش او را نجات نمی‌دهد. حالا یک کسی بگوید من چند سال در جبهه بودم و ... این‌ها چیست؟! تکیه بکند به سابقه خودش، من چقدر درس خواندم، من چه مدارج علمی داشتم، چقدر خدا را عبادت کردم، چقدر نماز مستحبی خواندم، سعی کردم همه روزه‌های مستحبی را گرفتم. چه کار کرده است؟ پیامبرش هم دارند می‌فرمایند من هم به عملم نجات پیدا نمی‌کنم، دیگر بقیه باید حساب کار خودشان را بکنند. اگر شما بهترین عبادت‌ها را، خالص‌ترین عبادت‌ها را سال‌ها انجام بدهید، آخرش به این نکته می‌رسید که با رحمت خدا نجات پیدا می‌کنید. این که شب جمعه دعای کمیل با این جمله شروع می‌شود، خیلی ارزنده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^{۱۴}. از همان اول روی رحمت خدا دست می‌گذارد. خدایا، از تو می‌خواهم به آن رحمتی که تمام اشیاء را گرفته است. از آن سؤال می‌کنم نه از عملم. انسان عالی‌ترین خضوع و خشوع را داشته باشد، بیشترین گریه را در درگاه خدا بکند، هیچ، این‌ها هیچ حساب نیست. هیچ که می‌گویم، یعنی ما باید به این معتقد باشیم که هیچ نیست. این‌ها نسبت به درگاه ربوبی صفر است. کاری نکردیم. پس بهترین عمل را انجام بدهیم؛ اما بهترین عمل معتقد نباشیم. اصلاً در پیشگاه الهی این‌ها صفر است، هیچ حساب نمی‌شود.

معنای صفح جمیل

مطلب آخر: در ذیل آیه «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»^{۱۵} (پس [با آن‌ها] بساز، سازشی نیکو). یک روایت است. باز این آیه هم از آن آیاتی است که خدا به پیغمبرش دستور می‌دهد. خطاب فقط به پیغمبر است. «فَاصْفَحِ»؛ یعنی بگذر، ببخش، آن هم صفح جمیل. یک نوع گذشتن زیبا.

۱۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۴۰۶.

۱۲. محجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۶۵.

۱۳. محجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۶۵.

۱۴. مفاتیح الجنان.

۱۵. حجر، ۸۵.

این صفح جمیل، خیلی جمیل‌ها در آن خوابیده است. نکات جمیلی در آن هست. چیست؟ پیغمبری که دارای تمام مکارم اخلاقی است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^{۱۶} (و به راستی تو بر خُلق و خوی بس بزرگی هستی)، خدا دارد پیغمبرش را به این ادب مؤدب می‌کند که حبیب صفح داشته باش، آن هم صفح جمیل. این صفح جمیل چیست؟ حدیث آن را دقت کنید. پسر امیرالمؤمنین (علیه السلام)، محمد بن حنفیه، می‌گوید که از پدرم شنیدم: «عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ» که امیرالمؤمنین فرمودند: «لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى: فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» وقتی این آیه نازل شد، خود پیغمبر به جبرئیل فرمودند: «يَا جِبْرَائِيلُ مَا الصَّفْحُ الْجَمِيلُ؟» صفح جمیل چیست؟ حالا نه این که پیغمبر ندانند، می‌دانند می‌خواهند این گفتگو رد و بدل بشود، بعد امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل بکنند، ثبت بشود، به ما برسد و الا اگر سؤال نمی‌شد، برای ما گفته نمی‌شد. فرمودند: یا جبرئیل، این صفح جمیل چیست؟ «قَالَ» گفت: «إِذَا عَفَوْتَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ فَلَا تُعَاتِبَهُ»^{۱۷} وقتی یک کسی به تو ظلم کرد، از او صرف نظر کردی، دیگر او را سرزنش نکن. صفح جمیل این است. خیلی بزرگی می‌خواهد. واقعاً ما رفتارهایمان با پیغمبر قابل مقایسه نیست، اصلاً زمین تا آسمان فرق دارد.

الآن این نمونه که می‌گویم، زیاد است. نمی‌خواهم این جا آمارگیری کنم؛ اما می‌دانم بیش از نصف بیشتر شما این مشکل را در خانواده‌هایتان دارید که مثلاً پدر و مادرها با یکی از اقوام اختلاف دارند، هیچ وقت هم حاضر نیستند کوتاه بیایند. خیلی از شما سراغ دارید دیگر. حاضر نیست کوتاه بیاید. ظلمش هم در حد دنیا است. مثلاً آمده است حَقِّش را خورده است، زمین او را گرفته است، به او تهمت زده است، غیبت او را کرده است، از این چیزها. از بس این‌ها برای او مهم است، اصلاً به هیچ وجه از آن نمی‌گذرد. هیچ کدام کوتاه نمی‌آیند. نمی‌دانم خروس جنگی‌ها را دیده‌اید. دو تا خروس می‌ایستند جلوی هم، هرچه آن سرش را بالا می‌آورد، آن یکی بالاتر می‌آورد. مرتب سر را بالاتر می‌آورند. حیوان است دیگر. آن روحی که بر این حیوان حاکم است، این است: هرچه او سرش را بالاتر می‌آورد، آن هم بالاتر می‌آورد تا یک کدام نتوانند، آن که نتواند، دیگر مجبور است خاضع بشود و الا اول می‌ایستند مقابل هم و مرتب سر را بالاتر می‌آورند و به هم دیگر می‌زنند، گاهی هم می‌شود همدیگر را خونی هم می‌کنند تا یکی از آن‌ها نتواند، خودش را عاجز بداند، دیگر مجبور بشود سرش را پایین بیاورد، سرش را پایین می‌آورد، یعنی دیگر من تسلیم شدم. آن حیوان است، از آن انتظار نیست، ما که ادعای عقل می‌کنیم، چرا ادای حیوانات را درمی‌آوریم و بعد هم خودمان را بالاتر از این خروس می‌دانیم؟! کار آن‌ها را هم می‌بینیم، می‌خندیم. یک آدم اهل دل هم به ما می‌خندد. این که خنده ندارد، آن حیوان است، روحی که بر او حاکم است، این است. عیب این است که روح زشتی که بر آن حاکم است، فعلاً بر من حاکم شده است، منی که بالای سرش یک قوه عاقله دارم، می‌توانم تفکر کنم، از خودم مراقبت بکنم، نمی‌کنم. حالا ببینید ما در این چیزها حاضر نیستیم بگذریم، بعد بباید پیغمبر را ببینید از چه چیزهایی می‌گذرند.

نمونه‌هایی از صفح جمیل پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

اصلاً کسی می‌خواهد پیغمبر را بشناسد، رسالت پیغمبر، نبوت پیغمبر را می‌خواهد بشناسد، به عقیده من معجزه دیگر نمی‌خواهد. معجزه همین است. الآن اگر کسی در این دنیا این نمونه که الآن می‌خواهم می‌گویم، کسی بتواند این کار را

^{۱۶}. قلم، ۴.

^{۱۷}. محجۀ البیضاء، ج ۷، ص ۲۶۵.

انجام بدهد، من شخصاً عقیده‌ام به پیغمبری او ثابت است. من این را پیغمبرش می‌دانم؛ چون می‌دانم این از شخص عادی نمی‌تواند صادر بشود. این که می‌خواهم بگویم این است: زن یهودی آمد گوشت را سم زد، برای پیغمبر فرستاد، پیغمبر مسموم شدند که بعد از چند روز هم به شهادت رسیدند. خب تا گوشت را تناول کردند، احساس مسمومیت کردند، دیگر بقیه‌اش را نخوردند. زن را آوردند. پیغمبر را به قتل رساند، تازه وقتی هم آمد، عذرخواهی هم نکرد. حالا یک وقت یک کسی است تا می‌آید، می‌گوید یا رسول ببخشید من اشتباه کردم. عذرخواهی هم نکرد، به او گفتند: «چرا این کار را کردی؟» گفت: «من فکرش را کردم، گفتم تو یا راست می‌گویی که پیغمبر هستی یا دروغ می‌گویی؟ اگر راست می‌گویی که خب می‌دانی این‌ها مسموم است، نمی‌خوری، اگر هم دروغ می‌گویی، مردم از شر تو راحت می‌شوند!» با همین تعبیر جسارت کرد. دیگر حالا نمی‌دانست حکمت‌های الهی فوق این چیزهاست که هر کسی پیغمبر باشد، ائمه‌اش هم همین طور هستند، وقتی اذن الهی باشد، خب می‌خورند دیگر. مهم ماها هستیم که چه می‌کنیم. پیغمبر چه کردند؟ او را بخشیدند! صفح جمیل تا این حد شما سراغ دارید؟ هرکس در این دنیا اگر توانست، این کار را بکند که یک کسی سم کشنده به یک شخصی بدهد که دو روز بعد، سه روز بعد بمیرد، بعد هم آن شخص مسموم بگوید که من او را بخشیدم، مهم نیست. نمی‌شود، انسان‌های معمولی نمی‌توانند این کار را بکنند.

راجع به قتل حضرت حمزه شنیدید دیگر که قاتلشان غلامی بود به نام وحشی. آن همه جسارت‌ها کرد، آمد حضرت حمزه را که کشت، تازه مثله کرد، بدنشان را تکه‌تکه کرد، جگرشان را درآورد. وضع خیلی دلخراشی بود. پیغمبر هم حضرت حمزه را خیلی دوست می‌داشتند؛ لذا در تاریخ نوشته‌اند هیچ روزی مثل آن روز پیغمبر در عمرشان گریه نکردند. آن روز خیلی گریه کردند و این‌ها می‌ماند دیگر. نشان می‌دهد پیغمبر چه بودند. حالا هرکس که باشد، دیگر حداقل مجازات را می‌گوید که بروید اعدامش بکنید، حالا مثله دیگر نکنید، اشتباه کرد. عجیب است خود وحشی هم می‌دانست که پیغمبر صفح جمیل در وجودشان است، می‌گذرند آن هم گذشتی که حتی سرزنش در آن نیست، حداقل یک کلمه به او نمی‌گویند دیگر از این غلط‌ها نکنی. وحشی می‌دانست که پیغمبر این روحیه را دارند، دشمن می‌دانست، دوست هم می‌دانست، لذا یک طوری خودش را مخفیانه کنار پیغمبر گذاشت؛ چون می‌دانست اگر وارد مدینه بشود، مردم او را ببینند، زود می‌کشندش، نابودش می‌کنند. یک طوری مخفیانه، ناآشنا خودش را کنار پیغمبر گذاشت، گفت: «یا رسول الله، من وحشی هستم، قاتل عمومی شما. آدمم عذرخواهی بکنم.» پیغمبر فوری، بدون تأمل او را بخشیدند. فقط یک خواهش از او کردند که خواهش می‌کنم این‌جا نمان؛ چون تو را در مدینه ببینم، به یاد عمومی می‌افتم، دلم می‌گیرد. یک خواهشی از او کردند، گفت: «باشد می‌روم.» اعلام شد وحشی بخشیده شد، پیغمبر او را بخشیدند.^{۱۸} «صفح جمیل»، «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ».

جبرئیل می‌گوید که «إِذَا عَفَوْتَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ» ای پیغمبر وقتی عفو کردی از کسی که به تو ظلم کرده است، «فَلَا تُعَاتِبْهُ» دیگر عتابش نکن، سرزنشش نکن. «فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ» پیغمبر فوری فرمودند که ای جبرئیل، «فَاللَّهُ أَكْرَمُ أَنْ يُعَاتِبَ مَنْ عَفَا عَنْهُ» خدا کریم‌تر از این است که کسی را که عفو کرده، عتابش بکند. خدا کریم‌تر از این است که کسی را عفو کرده، بعد سرزنشش هم بکند. می‌خواهند بگویند هرچه هست، از اوست. اگر به من دارد گفته می‌شود، خدا کریم‌تر از این است. «فَبَكَى جَبْرَائِيلُ» جبرئیل به گریه افتاد. «وَبَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» پیغمبر هم به گریه افتادند. «فَبَعَثَ

^{۱۸} مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۸.

اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيْهِمَا مِيكَائِيلُ» خدا میکائیل را نزد جبرئیل و پیامبر فرستاد، «وَقَالَ إِنَّ رَبَّكُمَا يُفَرِّقُكُمَا السَّلَامَ» گفت خدا به شما دو نفر سلام می‌رساند، «وَيَقُولُ كَيْفَ أَغَاتِبُ مَنْ عَفَوْتُ عَنْهُ» و می‌فرماید: چگونه من سرزنش بکنم کسی را که عفویش کردم؟ «هَذَا مَا لَا يُشْبِهُ كَرَمِي»^{۱۹} این شبیه کرم من نیست، با کرم من شباهت ندارد.

درخواست بالاترین درجات از خداوند کریم

روایت دارد دو نفر که عبادت خدا را یکسان می‌کنند، وقتی روز قیامت وارد می‌شوند، یکی از آن‌ها از نظر مقامات خیلی بالاست، در درجات علیین است، دیگری نه پایین است. آن که پایین است، می‌گوید: «خدایا چه شد؟ ما دو نفر با هم رفیق بودیم، اعمالمان یکسان بود.» خطاب می‌شود که این رفیقت از کرم خدا سؤال کرد، از درجات علی سؤال کرد، این را درخواست کرد، گفت: «خدایا، درجات عالی به من بده.» از کرم ما این را خواست، ما هم به او دادیم. تو درخواست کردی که از آتش نجات پیدا بکنی. خب به هرکدامتان درخواستتان داده شد. ببینید اصلاً در این حدیث عمل مطرح نیست. از یک دید دیگر چرا، اگر عمل نبود، جهنم بود، اما ببینید اصلاً می‌گوید هر دو عمل یکسان است، یکی از آن‌ها از کرم خدا درخواستش این بوده است که درجات عالی را خواسته است، یکی از آن‌ها نه خواسته. عمل هم یکی است. لذا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «سَلُوا اللَّهَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَىٰ فَإِنَّهَا تَسْأَلُونَ كَرِيمًا»^{۲۰} از خدا درجات علی را سؤال کنید. به درستی که شما دارید از کریم سؤال می‌کنید. یا کریم یا رب...

«الحمد لله رب العالمین»

^{۱۹}. محجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۶۵.

^{۲۰}. محجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۶۷.